

## رمانتیسیم اجتماعی در اشعار نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد

آنیثا الداغی\*

### چکیده

نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد از نوسرایان و پیشگامان شعر عربی و فارسی هستند. دیدگاه انتقادی و زنانه این دو شاعر در معرفی دورنمایه‌های بدیع شعر نو تحول مهمی ایجاد کرده است. اشتراک‌هایی در مضمون و سبک شعریشان که برگرفته از اوضاع نابسامان سیاسی و اجتماعی، بی‌توجهی به زن و فاصله‌های طبقاتی است، نشان می‌دهد که اشعار در ابعاد محتوا، قالب و زبان، تأثیرات قابل توجهی از شعر دوره رمانتیک اروپا پذیرفته است. مقاله حاضر با توجه به اهمیت ارتباط بین زبان عربی و فارسی، به بررسی تطبیقی رمانتیسیم اجتماعی و علل گرایش به این مکتب در آثار دو بانوی شاعر می‌پردازد و در نتیجه ارائه می‌دهد هر شاعر در چه مضمونی برجسته‌تر از دیگری است.

**کلیدواژه:** شعر نو، رمانتیسیم اجتماعی، نازک‌الملائکه، فروغ فرخزاد، شعر عربی، شعر فارسی.

---

\* استادیار دانشگاه پیام نور مرکز دماوند Aldaghipf@gmail.com

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۰/۱۱ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۷/۰۵

بررسی آثار منظوم «نازک‌الملائکه» (۱۹۲۳/م ۱۳۰۲ هـ ش. - ۲۰۰۷/م ۱۳۸۶ هـ ش.) که پایه‌گذار شعر نو عربی است و «فروغ فرخزاد» (۱۹۳۴/م ۱۳۱۳ هـ ش. - ۱۹۶۷/م ۱۳۴۵ هـ ش.) از نوسرایان شعر فارسی و تعداد دیگری از نوسرایان زبان عربی و فارسی نشان می‌دهد که شعر نو در ابعاد محتوا، قالب و زبان تأثیرات، قابل توجهی از شعر دوره رمانتیک اروپا پذیرفته است. استفاده از درون‌مایه‌های بدیع در شعر نو که در اشعار قدما به ندرت مشاهده می‌شود و در شعر اروپا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، بیانگر این مطلب است که شعر دوره رمانتیک حداقل در معرفی این دورنمایه‌های بدیع به شعر نو فارسی و عربی نقش مهمی ایفا کرده است. اگرچه ذوق و خلاقیت نوسرایان و نیز جو سیاسی و اجتماعی حاکم بر عصر تولد شعر نو، در پیدایش و بالندگی آن اهمیت ویژه‌ای دارد.

از آنجا که نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد از شاعران تأثیرگذار معاصر عربی و فارسی هستند و با توجه به اینکه جریان رمانتیسم از ماندگارترین جریان‌ها در شعر معاصر است که روح تازه‌ای بر ادبیات جهان، به ویژه ادبیات عربی و فارسی دمیده، شناخت این مکتب و چگونگی شکل‌گیری آن و تطبیق موضوعات رمانتیسم در شعر عربی و فارسی به شناخت هر چه بهتر شعر معاصر عربی و فارسی منجر خواهد شد. با توجه به اینکه رمانتیسم بیشتر از هر چیز دیگر در شعر نمایان است، با بررسی مضامین آن در شعر نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد، بهتر می‌توان به شناخت این مکتب و تأثیرگذاری آن بر شعر معاصر عربی و فارسی پی برد که راه‌گشای خوبی برای شناخت هر چه بهتر رمانتیسم و شعر و ادبیات دیگر شاعرانی است که در این زمینه حرفی برای گفتن دارند.

### مکتب رمانتیسم

مکتب رمانتیسم پیامد تحولات اساسی در زندگی غربیان و انقلابی است که در اصول اندیشه، عوامل اجتماعی، مبانی اقتصادی و فرهنگی این ممالک در طی سده‌های هجده و نوزده میلادی رخ داد. با تحولاتی از قبیل صنعتی‌شدن جامعه، تغییر شیوه زندگی به شهرنشینی، پیدایش طبقه جدید متوسط (بورژوازی)، اصول کلاسیک



مورد تردید واقع شد و زمینه‌های پیدایش این مکتب، ابتدا در آلمان و انگلیس و سپس در فرانسه به وجود آمد. رمانتیک‌های فرانسه به دلیل «دوران انقلاب و حکومت ناپلئون» دیرتر از رمانتیک‌های آلمان و انگلستان ظاهر شدند (هارلند، ۱۳۸۸: ۱۰۹)؛ اما این مکتب در فرانسه رشد و رونق چشمگیری داشت و از آنجا به دیگر کشورها تسری یافت. انقلاب فرانسه که بر «شکننده بودن نظم سیاسی جامعه و امکان‌پذیر بودن نظامی جدید مبتنی بر آزادی و عدالت» (پاینده، ۱۳۹۰: ۱۰۳) تأکید داشت، با تردید در بنیان‌های عقل‌گرایی، پایه‌های رمانتیسیم را محکم‌تر ساخت و بدین ترتیب، از مرزهای آن کشور فراتر رفت و در «هرکشوری که نوعی نارضایی اجتماعی وجود داشت رخنه کرد، خاصه کشورهای که زیر چکمه مشتی برگزیدگان خشن و سرکوبگر یا مردانی بی‌کفایت بودند» (برلین، ۱۳۸۷: ۲۱۱). در واقع «جنبش رمانتیسیم، انعکاس شکست خوش‌بینی‌های پیش از انقلاب است و فریاد اعتراض هنرمند به تخریب ارزش‌های بشری و مسخ شئون انسانی است» (رحیمی، ۱۳۴۵: ۲۱).

رمانتیسیم - که در واقع جنبشی از آن طبقه میانه بود - با از بین بردن اشرافی‌گری و اهمیت دادن به احساس فردی و با شعار آزادی، مردم را ترغیب کرد و خواهان هنرمندی بود که با تخیلی بی‌قیدوبند، بازتاب جنبش‌ها و تغییرات اجتماعی باشد. بدین گونه «سبک پویای رمانتیسیم در برابر سبک ایستای کلاسیک ایستاد و این زمانی بود که اندیشه‌های لیبرالی و بورژوازی با این سبک ادبی همسو شده بود» (تسلیمی، ۱۳۸۷: ۱۶)؛ بنابراین رمانتیسیم نه فقط در هنر، بلکه در زمینه‌های گوناگون فعالیت بشر، چون «آزادی‌های سیاسی، حقوق فردی، اصلاحات بشردوستانه، از قبیل الغای بردگی، زن‌گرایی...، اصلاحات طبقه زحمت‌کش و تجارب اقتصادی برای زندگی عموم» (ثروت، ۱۳۹۰: ۶۹) نقش مؤثری ایفا کرد.

### رمانتیسیم اجتماعی

برخلاف تصور غالب از واژه «رمانتیک»، این جنبش به شکل‌های مختلفی با تلاطم‌های سیاسی و اجتماعی همدلی نشان می‌دهد. در این زمان با توجه به شکل‌گیری انقلاب‌های مختلف و رونق شهرنشینی و پیشرفت صنعت چاپ، آثار گوناگون در دسترس سطح گسترده‌ای از اجتماع قرار گرفت. از این رو، توجه به

مسائل اجتماعی و طرح مشکلات جمعی با نظر به احترام و توجه ویژه رمانتیسم به «فرد»، اهمیت بسیار یافت و گرایش جدیدی به احساسات شکل گرفت که «احساس‌گرایی اجتماعی» نام دارد. در «رمانتیسم اجتماعی»، که حدّ وسط رمانتیسم و رئالیسم است، از نظر فلسفی و اجتماعی، نوعی گرایش سوسیالیستی دیده می‌شود. پیروان آن به جای توجه به احساس شخصی و زندگی خصوصی، به منافع اجتماعی توجه می‌کنند و بر اغتشاشات و بی‌نظمی‌های ناشی از «تمرکز ثروت در دست اقلیتی ناچیز» و «بی‌عدالتی اجتماعی» متأثر از آن تاختند و هدفشان تغییر نظام اجتماعی و اصلاح آن بود (فرشیدورد، ۱۳۸۲: ۷۴۲). هنرمندان کلاسیسم برای «طبقات ممتاز» می‌نوشتند و به بیان مسائل اخلاقی توجه داشتند؛ اما رمانتیک‌ها چهارچوب‌ها و سنت‌های رایج را نقد می‌کردند و شیوه‌ی ضمنی و غیرمستقیم طرح مسائل اخلاقی را ترجیح می‌دادند (هارلند، ۱۳۸۸: ۱۳۰-۱۳۱). آن‌ها با تکیه بر عواطف و آرزوها به سوی گسترش عدالت و نابودی طبقات برتر گام برداشتند و در تلاش بودند تا اوضاع مناسبی برای سلطه‌ی طبقه‌ی متوسط ایجاد کنند؛ بنابراین توسعه‌ی سریع شهرها، پیدایش نیروهای جدید اقتصادی و سیاسی و افزایش شکاف میان طبقات، تجدید نظر شاعر را درباره‌ی پایگاه قبلی خود در پی داشت. شاعر رمانتیسم دیگر آن سخنگوی طبقه‌ی اشراف و ممتاز نیست، بلکه به دل مردم پناه می‌برد و پایگاه جدیدی برای خود می‌سازد و با تمام وجود در برابر اشراف و گروه حاکم می‌تازد (پریستلی، ۱۳۵۲: ۱۲۹).

### پیشینه تحقیق

نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد در ادبیات عربی و فارسی چنان برجسته‌اند که اندیشه‌های آن دو به طور جداگانه بسیار تحلیل شده است. از جمله مصطفی هداره در کتاب *البحوث فی الأدب العربی الحدیث* و دکتر سیدحسین سیدی در کتاب بررسی تطبیقی نظریه‌ی ادبی نیما و نازک‌الملائکه به جنبه‌هایی از گرایش رمانتیکی در شعر نازک‌الملائکه پرداخته‌اند. همچنین، پایان‌نامه‌هایی چون *ابهامات فکری و ادبی نازک‌الملائکه، المقارنه بین المضامین و الفاهیم الاجتماعیه فی أشعار نازک‌الملائکه و نیما یوشیج و تشاوم در ابوالعلاء معری و نازک‌الملائکه*، هر کدام جنبه‌هایی از اندیشه‌ی نازک‌الملائکه را ترسیم کرده‌اند. درباره‌ی فروغ نیز کتاب‌های متعددی از جمله *شناخت‌نامه‌ی فروغ فرخزاد*، فروغی دیگر (نگاهی تازه به اشعار فروغ فرخزاد)، فروغ



فرخزاد و سینما، ادای دین به فروغ فرخزاد (قصه فروغ)، فروغ فرخزاد جاودانه زیستن در اوج ماندن، فروغ آیه‌های زمینی، شاعران تهران (از آغاز تا امروز)، پریشادخت شعر (زندگی و شعر فروغ فرخزاد) و ... نوشته شده و به صورت تطبیقی مقاله‌ای با عنوان «زمان در شعر فروغ فرخزاد و نازک‌الملائکه با بررسی تطبیقی دو شعر "بعد از تو" و "افعوان"» و مقاله‌ای با عنوان «رمانتیسیم تلخ در شعر نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد» به نگارش در آمده است.

با این همه تاکنون رمانتیسیم اجتماعی به طور مقایسه‌ای در شعر نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد بررسی نشده است.

وجود مشکلات اجتماعی و خانوادگی در زندگی نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد که به غم و اندوه منجر می‌شود، از یک سو و احساسی بودن مکتب رمانتیسیم از سوی دیگر و همچنین روح حساس زنانه در آن دو، به پرداختن به این مکتب منجر شده است. هر دو مشکلات و سنت‌های موجود در جامعه را مانع تحقق آرزوهای خود می‌دانند، پرداختن به غم و اندوه، بدبینی، گرایش به دوران بی‌ریای کودکی، پناه بردن به طبیعت، گرایش شدید به خیال که از مهم‌ترین مضامین رمانتیسیم است، در شعر آن‌ها دیده می‌شود. نازک و فروغ، افزون بر بیان احساسات فردی خود، به رمانتیسیم اجتماعی نیز پرداخته‌اند.

### رمانتیسیم اجتماعی در شعر نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد

یکی از مشخصات شعر معاصر عربی و فارسی، تعهد شاعر به بیان کردن مسائل اجتماعی است. نازک‌الملائکه و فروغ همواره خود را در برابر حوادث اجتماع مسئول می‌دانند. نگاه آن دو به اوضاع اجتماعی روزگارشان شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. نازک تحصیلکرده غرب است که با مشاهده اوضاع کشورهای غربی و مقایسه آن با اوضاع نابسامان عراق که از یک سو در اشغال قوای استعمار انگلیس قرار گرفته و از سوی دیگر از نتایج تأسفبار جنگ جهانی دوم از قبیل آشفتگی داخلی، فقر، جهل، بی‌سوادی و ... رنج می‌برد، برمی‌آشوبد.

نازک‌الملائکه اجتماعی بودن را هدف اصلی شعر می‌داند، چشم‌هایش را به روی اجتماع می‌گشاید و نسبت به درد و رنج مردم، به‌ویژه مردم عراق عکس‌العمل



نشان می‌دهد و در شعرهایی، چون «الکولیرا» «الناعمه فی الشارع»، «الأرض المحجیه»، «مرثیه امراه لاقیمه لها»، «عید الهدنه»، «الی العام الجدید» و «سوسنه المپها القدش» درد و رنج مردم را به تصویر می‌کشد. در قصیده «ماساه الاطفال» و چند قصیده دیگر در دیوان «ماساه الحیاه» به توصیف این اوضاع و کودکانی می‌پردازد که در انتظار بازگشت پدرانشان از جنگ هستند و از شهرها و آبادی‌های ویران شده و از کشته‌هایی که با چشمان باز مرده‌اند، سخن گفته است (الملائکه، ۱۹۹۷: ج ۱). افزون بر آن، نسبت به اوضاع زنان در جامعه عراق و نبود فرهنگ و آزادی نیز معترض است؛ اما بیشتر توجهش به اوضاع داخلی عراق است. وی نه تنها در اشعارش که در عمل نیز وارد صحنه می‌شود و به دلیل شرکت در فعالیت‌های سیاسی و حزبی مجبور به ترک خاک عراق می‌شود (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۴).

نازک‌الملائکه با سرودن شعر «الکولیرا» با مردم مصیبت‌زده مصر که دچار بیماری وبا شده‌اند، ابراز همدردی کرده و در شعر «الحرب العالمیه الثانیه» از کشته‌شدن انسان‌ها در جنگ جهانی ابراز تأسف می‌کند.

لم یکد یستفیک من حربه الأو  
لی و یهنأ حتی رمته الرزایا  
رحمة یا حیاة حسبک ما سا  
ل علی الرض من دماء الضحایا

(الملائکه، ۱۹۹۷، ج ۱: ۴۳)

هنوز (بشریت) از جنگ نخست به خود نیامده و آرام نگرفته است که مصیبت‌ها او را هدف قرار داده‌اند. ای زندگی رحمتی آر! خون قربانیانی که بر زمین ریخته شده است، تو را کافی است (سیدی، ۱۳۹۰: ۲۱۳).

در «صلح و عدالت» از رنج فلسطینیان سخن می‌گوید؛ از کودکانی که آینده‌ای ندارند و در جای جای زمین آواره‌اند؛ از این رو در این شرایط درباره دم زدن از صلح تعجب می‌کند:

سلام عادل دائم

سلام والفلسطینی فی الفلوات، تحت الریح

شرید فی جبال الشوک والأحزان (الملائکه، ۲۰۰۲: ۳۴۸)

صلح و عدالتی پایدار؟! صلح! در حالی که فلسطینیان زیر باد در بیابان‌ها



آواره‌اند. در کوه‌های خار و اندوه سرگردانند؟ (سیدی، ۱۳۹۰: ۲۱۶).

در «غسلا للعار» از مشکل ازدواج زودهنگام دختران جوان سخن می‌گوید و بیان می‌کند، برخی از دختران به داشتن روابط عاشقانه متهم می‌شوند و گاه به دلیل اینکه لکه ننگ به شمار می‌روند، به دست مردان کشته می‌شوند (الخیاط، ۱۳۸۵: ۱۶۶-۱۶۷).

«أماه» و حشرجةٌ و دموعٌ و سوادٌ

وانبجسَ الدَّمُ وإختلجَ الجسمُ المطعونُ

والشعرُ المتوجُّ عَشَّشَ فيه الطينُ

«أماه» و لم یسمعها إلا الجلاذ (الملائکه، ۱۹۹۷: ۳۵۱/۲)

«ای مادر» و نفس آخر، اشک‌ها و سیاهی، و خون روان شد و تن زخم خورده، بی اختیار تکان خورد و لرزید و موهای مُجعد که گل در آن لانه کرده بود و صدای «ای مادر» که کسی جز جلاذ آن را نشنید.

در قصیده «مرثیهٔ امراه لا قیمه لها» به مشکلات زنان جامعه می‌پردازد. از شرایط بد جامعه و چگونگی برخورد نسبت به زنان سخن می‌گوید و اشاره می‌کند که زنان از حقوق خود محرومند و حتی پس از مرگشان نیز به آنان ستم می‌شود.

به هر حال نازک‌الملائکه شاعری است که درد و رنج مردم را احساس و آن را در اشعارش منعکس می‌کند و هنگامی که اشک و فریاد گرسنگان را می‌بیند، بدبینی‌اش نسبت به زندگی بیشتر می‌شود. خود را در غم‌های جامعه‌اش شریک می‌داند؛ درد و رنج‌های جامعه عراق را به تصویر می‌کشد؛ صدای مظلومان را می‌شنود و مسائل اجتماعی را در شعرش منعکس می‌کند. وی همچنین در قصیده «الفقر و الكوخ» زندگی فقرا را به تصویر می‌کشد و مشکلات روستاییان و فقر و محرومیت ساکنان آن را به تصویر می‌کشد. جامعهٔ عراق در جنگ جهانی دوم و پس از آن به فساد کشیده شد و این فساد به هر خانه و به هر فکر و قلبی رسوخ کرد. نازک این درد را حس کرد و در رنج‌های آن غرق شد. مانند این شعر او که افراد گرسنه روستایی را به تصویر می‌کشد:

إنَّ فی أرضها بشرًا جائعین

لم تجد عندهم غیر دمع سخین (همان: ۴۴۶/۱)



در سرزمین آن (روستاها) انسان‌های گرسنه‌ای هستند که جز اشک سوزان نزدشان نمی‌بینی.

نازک‌الملائکه در جامعه با مردم و گرفتاری‌هایشان همراه می‌شود و هنگامی که غافلۀ گرسنگی و غم را می‌بیند، بر احوالشان گریه می‌کند:

أبصرتُ عند ضعف الشتاء جموع الحزاني و ركب الجياع

سأحملُ قيثارتي في عيدٍ و أبكي على شجن العالم

(همان: ۵۶۹/۱)

بر کرانه زمستان جمع اندوهگین‌ها و کاروان گرسنه‌ها را دیدم. فردا گیتارم را بر خواهم داشت و بر اندوه جهان خواهم گریست.

در شعر «إلى العام الجديد» درصدد اصلاح ثروتمندان برمی‌آید تا به فرودستان جامعه توجه کنند. او ثروتمندان را چون شبح‌هایی به تصویر می‌کشد که با فقیران همدردی نمی‌کنند و فقط به فکر خودشان هستند و حتی علت غلبۀ افسردگی بر اندیشه خود را همدردی با مردم جامعه خود می‌داند:

فأثارت كآبتي عجب النساء س و حاروا في سرها المجهول؟

ما دروا أنني أنوح على ما سأتهم في ظلامها المسدول

(همان: ۱۵۶/۱)

افسردگی‌ام سبب شگفتی مردم شده، به گونه‌ای که در راز ناشناخته آن سرگردان شده‌اند، ندانستند که من به دلیل گرفتاری آنان در گمراهی دائمی، شیون می‌کنم.

أنا أبكي لكل قلب حزين بعثرت أغنياته الأقدار

و أروي بأدمعي كل عصف ظامئ جف زهره المعطار

(همان: ۱۵۷/۱).

به خاطر هر قلب اندوهگینی می‌گریم که سرنوشت نغمه‌های آن را پراکنده کرده است و با اشک‌هایم هر شاخه تشنه‌ای را که شکوفه خوش‌بویش خشکیده،



سیراب می‌کنم. شعر فروغ نیز از حوادث اجتماعی جامعه‌اش خالی نیست هر چند که در دوره اول شاعری، او به بیان ساده احساسات خود می‌پرداخت و این دوره، دوره «من» شخصی اوست؛ اما در دوره دوم شعری که دوره بیان آگاهانه بر پایه نگاه‌هایی تازه به خود و هستی و دوره «من اجتماعی و یا به عبارتی «ما» است (شافعی، ۱۳۸۰: ۳۸) چشم بر روی حوادث جامعه‌اش می‌گشاید و آن را در شعرش منعکس می‌کند؛ اما شیوه ورود فروغ به مسائل اجتماعی از نظر شکل با ورود نازک‌الملائکه به این حیطة فرق می‌کند؛ در زمانی که شاعران هم‌دوره فروغ کم‌وبیش با جریان‌ات سیاسی، همچون ملی شدن صنعت نفت و ... همراهی می‌کردند، او در این زمینه‌ها وارد نمی‌شود و برجسته‌ترین تلاشش در زمینه پرداختن به امور اجتماعی آن روز، به اعتراض درباره وضعیت زنان جامعه ایران خلاصه شده است. وی در دید انتقادی و معترضانه به حقوق زنان، در مصاحبه‌ای گفته بود: «آرزوی من آزادی زنان ایران و تساوی حقوق آن‌ها با مردان است. نیمی از هنرم را برای تجسم دردها و آلام آن‌ها به کار می‌برم» (حیدری، ۱۳۷۷: ۱۷ / جعفری، ۱۳۷۸: ۳۶۸).

فروغ که خود حالات و تمایلات دوره جوانی را درک کرده است، از وضع نابسامان زن در جامعه آن روز گله می‌کند و با قدرت طبع چیره خود، محرومیت و رنج جنس زن را در شعر «دختر و بهار» به تصویر می‌کشد.

فروغ با زبان و قلم خویش به دفاع از حقوق زنان ایرانی پرداخته است و آرزوی او آزادی زنان ایرانی و همگامی آن‌ها با مردان و بهره‌مندی از حقوقی است که به آن‌ها تعلق دارد. شعری از فروغ در ماهنامه «نبرد زندگی» در سال ۱۳۳۴ ه.ش چاپ شده است که از تصورات ذهنی فروغ درباره زنان ایرانی و دفاع از حقوق آن‌ها پرده برمی‌دارد.

وی در ناامیدی و بدبینی خود از وضع زنان در ایران به حدی پیش می‌رود که ازدواج را نوعی بردگی و بندگی برای زن می‌داند:

زن پریشان شد و نالید که وای

وای این حلقه که در چهره او

باز هم تابش و رخسندگی است

حلقه بردگی و بندگی است (فرخزاد، ۱۳۷۹: ۱۰۳)

افزون بر دفاع از حقوق زنان در جامعه ایران، دید سیاسی فروغ به مسائل



اجتماعی کشور، جهان، تمدن و آینده بشری، بیشتر در دو مجموعه پایانی او — «تولد دیگر» و «ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد» مستقیم یا غیرمستقیم، مشهودتر است. برای نمونه، می‌توان به شعرهای «عروسک کوکی»، «در غروبی ابدی»، «آیه‌های زمینی»، «هدیه»، «دیدار در شب»، «وهم سبز»، «ای مرز پرگهر»، «بعد از تو»، «دلم برای باغچه می‌سوزد» و «کسی که مثل هیچ کس نیست» اشاره کرد. فروغ در آیه‌های زمینی، خود را در زندانی خفقان آور و یأس‌آلود احساس می‌کند و در امکان رهایی از آن تردید می‌ورزد:

آه، ای صدای زندانی  
 آیا شکوه یأس تو هرگز  
 از هیچ سوی این شب منفور  
 نقبی به سوی نور نخواهد زد؟  
 آه، ای صدای زندانی

ای آخرین صدای صداها (فروغ، ۱۳۷۷: ۳۱۱).

توصیف فضای خفقان در سال‌های پس از کودتای مرداد ۱۳۳۲ ه.ش فضایی آکنده از بوی شکست و تسلیم که در آن «غرور گدایی می‌کند» توصیف رنگ باختن آرمان‌های سرخ و سبز و سرخوردگی و دل‌مردگی روشنفکران که اکنون به الکل پناه برده‌اند و میراثشان حکایت ناامیدی است (مرادی کوچی، ۱۳۷۹: ۱۷۲).

در شعر «بعد از تو» از رویگردانی انسان معاصر از سادگی و صفای طبیعت و گرفتار شدن در چنبره ماشین و صنعت، بوروکراسی و فساد اداری و پشت میز نشینی، سوداگری و سودجویی و برد و باخت همه چیز حتی خود زندگی و هویت و شخصیت انسانی، خیانت و جنایت، انقلاب و اعتصاب، کشته شدن مبارزان و معترضان سخن می‌گوید (حسین پور، ۱۳۸۴: ۲۲۲).

ای هفت سالگی  
 ای لحظه‌های شگفت‌عزیمت  
 بعد از تو هرچه رفت در انبوهی از جنون و جهالت رفت  
 بعد از تو پنجره که رابطه‌ای بود سخت زنده و روشن  
 میان ما و پرنده  
 میان ما و نسیم



شکست

شکست

شکست

بعد از تو آن عروسک خاکی

و ناگهان به خاطر آوردم

که کشتزارهای جوان تو از هجوم ملخ‌ها چگونه ترسیدند

چقدر باید پرداخت

چقدر باید

برای رشد این مکعب سیمانی پرداخت؟

ما هر چه را که باید

از دست داده باشیم از دست داده‌ایم (فرخزاد، ۱۳۷۷: ۳۸۸).

فروغ در رسیدن به افق‌های جدید سعی دارد و می‌خواهد تا آنجا که می‌تواند

در محیط خودش رشد کند و به تکامل برسد. او می‌گوید به دنبال چیزی در دوره و در

دنیای خودم هستم. او اعتقاد دارد باید خصوصیات را کشف کنیم و آن‌ها را وارد شعر

کنیم و احساس می‌کند که شعر باید از زندگی واقعی سرچشمه بگیرد (جلالی، ۱۳۷۷: ۵۷۹-۵۸۱) و این چنین به توصیف زندگی جامعه خود می‌پردازد:

زندگی شاید

یک خیابان دراز است که هر روز زنی با زنبیلی از آن می‌گذرد

زندگی شاید

طفلی است که از مدرسه برمی‌گردد

با نگاه گیج رهگذری باشد

که کلاه از سر برمی‌دارد

و به رهگذر دیگر

با لبخندی بی‌معنی

می‌گوید صبح بخیر (فرخزاد، ۱۳۷۹: ۴۱۲)

مهم‌ترین انگیزه فروغ برای تکرار یک کلمه یا عبارت در شعر تأکید بر موضوع

و نوعی اصرار و تلاش برای رساندن پیام به گوش مخاطبان است. او زندگی را در

گردونه‌ای از یأس و تکرار، زندانی می‌بیند و راهی برای خروج از آن نمی‌یابد.



در شعر «ای مرز پرگهر» فروغ می‌خواهد شرایطی را که بر جامعه مصرفی و سودپرستانه و مدگرا و بی‌بنیاد زمانه‌اش حاکم است و ارزش‌ها همه بر معیار پول، مُد و پوسته‌های ظاهری فرهنگ غرب شکل می‌گیرد، تصویر کند و با نیشخند طنز آن را به باد انتقاد می‌گیرد. امتیاز شعر اجتماعی فروغ در واقع‌گرایی زنده و با روح اوست، شعار نمی‌دهد، کلی‌گویی نمی‌کند و به جای تفسیر می‌گذارد تا خود شعر پیامش را برساند؛ تصویری که فروغ از جامعه بیمار، منحط و در حال انفجار به دست می‌دهد، از ناخودآگاه شاعرانه او برمی‌خیزد (آزاد، ۱۳۸۴: ۲۰۱-۲۰۳)؛ وی مردمی را که بدون اختیار و اراده از این سو به آن سو می‌روند و جز جلوی پاهای خود را نمی‌بینند، به باد انتقاد می‌گیرد و آنان را جنازه‌های مرده می‌خواند؛ مردمی که در صف اتوبوس منتظرند تا به محل کار خود بروند و درآمد خود را صرف خریدن میوه‌های فاسد بیهودگی کنند:

جنازه‌های خوشبخت

جنازه‌های ملول

جنازه‌های ساکت متفکر

جنازه‌های خوش‌برخورد، خوش‌پوش، خوش‌خوراک

در ایستگاه‌های وقت‌های معین

و در زمینه مشکوک نورهای موقت

و شهوت خرید میوه‌های فاسد بیهودگی (فرخزاد، ۱۳۷۹: ۴۴۰)

در جهان امروز که اندیشه‌ها و قوانین سنتی پیشین دوباره زنده شده‌اند، فروغ بربریت گنجانده شده در تار و پود تمدن امروز را بر ملا می‌کند. این صدا و بیان، در فیلم «خانه سیاه است» و در شعر «ای مرز پرگهر» آمده است. وی از جذام قوانینی صحبت می‌کند که گوشت تن سالم و نیرومند جوامع را از درون می‌خورد و از بین می‌برد. این قوانین در ویران کردن آزادی و استقلال زنان در جوامع مردسالار است که نتایج آن خشونت کامل، قتل‌های ناموسی، شکنجه، ترور، قطع اعضای بدن و سنگسار زنان است. زیستن در دنیایی مملو از نابرابری و خشونت، فروغ را «متعهد» کرده است که به زیستن «متعهد» باشد.

تمام روز

از پشت در، صدای تکه تکه شدن می‌آید



و منفجر شدن  
همسایه‌های ما همه در خاک باغچه‌شان به جای گل  
خمپاره و مسلسل می‌کارند  
همسایه‌های ما همه بر روی حوض‌های کاشی‌شان  
سریوش می‌گذارند  
و حوض‌های کاشی  
بی‌آنکه خود بخوانند،  
انبارهای مخفی باروتند  
و بچه‌های کوچه ما کیف‌های مدرسه‌شان را  
از بمب‌های کوچک  
پُر کرده‌اند (همان: ۴۶۳)

او در این شعر تمایل به جرم و جنایت را به تصویر می‌کشد. به نظر او در چنین فضایی، حتی کودکان در کیف مدرسه خود به جای قلم و دفتر بمب حمل می‌کنند و فضای سرشار از بی‌عدالتی و بی‌اعتمادی جامعه را نهیب می‌زند و حتی قانون را علیه خود می‌داند:

وقتی که اعتماد من از ریسمان سُست عدالت آویزان بود  
و در تمام شهر  
قلب چراغ‌های مرا تکه تکه می‌کردند  
وقتی که چشم‌های کودکانه عشق مرا  
با دستمال تیره قانون می‌بستند (فرخزاد، ۱۳۷۹: ۴۵۱)

اما فروغ همواره از عشق، روشنی، شکفتن، پیوستن و یگانگی و استحاله متداوم انسان می‌گوید. در نامه‌ای به احمدرضا احمدی می‌نویسد: «آدم وقتی خودش را در جریان زندگی بگذارد، هر روز استحاله‌ای در او صورت می‌گیرد و این استحاله است که انسان را لحظه به لحظه و روز به روز می‌سازد و وسعت می‌دهد» (جوهری، ۱۳۹۱: ۸۳) و می‌گوید:

وقتی که زندگی من دیگر  
چیزی نبود، هیچ چیز به جز تیک تاک ساعت دیواری،  
دریافتم که باید باید باید (فرخزاد، ۱۳۷۹: ۴۵۱)



فروغ فرخزاد و نازک‌الملائکه هر دو به نوعی به حوادث اجتماعی جامعه خود می‌پردازند؛ اما نازک‌الملائکه در این راه پیش‌قدم‌تر از فروغ است؛ زیرا نازک نه تنها به حوادث جامعه عراق می‌پردازد؛ بلکه به حوادث جهانی نیز توجه دارد؛ ولی فروغ چندان که باید و شاید با حوادث اجتماعی ملموس جامعه خود همراه نیست و گویا بیشتر دغدغه اجتماعی او وضعیت زن ایرانی بوده است. او نسبت به دیدگاه بادیه‌نشینی و کورکورانه بر «زن» که بر دروازه‌های تحول اجتماعی ایستاده، برمی‌آشوبد و معتقد است زن ابتدا باید از احساس بندگی ذهنی بیرون آید تا وضعیت او تغییر کند. تفاوت دیگری که در اشعار اجتماعی نازک‌الملائکه و فروغ مشهود است، این است که فروغ در بیان مشکلات جامعه خویش روانشناسانه عمل می‌کند و به ریشه اصلی مشکلات می‌پردازد که افراد و اندیشه‌های فاسد آن‌هاست؛ اما نازک‌الملائکه به ملموسات جامعه خود می‌پردازد و افزون بر آن بدون ارائه راه‌حلی فقط با بیان این اشعار، اعتراض خود را در این باره بیان می‌دارد؛ اما فروغ یک گام به جلو است و عقیده دارد برای حل مشکل باید چاره‌جویی کرد:

تنها صداست که می‌ماند

چرا توقف کنم، چرا؟

پرنده‌ها به جست‌وجوی جانب‌آبی رفته‌اند

افق عمودی است

افق عمودی است و حرکت فواره‌وار...

در سرزمین کوتاهان

معیارهای سنجش

همیشه بر مدار صفر سفر کرده‌اند

چرا توقف کنم (فرخزاد، ۱۳۷۷: ۸۱-۸۲)

بدین ترتیب می‌بینیم، گرایش‌های اجتماعی که نازک‌الملائکه می‌خواهد با مردم جامعه خود همگام شود و چه زمانی که فروغ در پرتو دفاع از حقوق زنان گام برمی‌دارد، تأثیری عمیق و در عین حال غم‌انگیز از خود برجای می‌گذارد و هر دو شاعر را در هاله‌ای از تلخکامی فرو می‌برد.

### نتیجه‌گیری

نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد به دلیل پاره‌ای از مشکلات شخصی و اجتماعی



و همچنین درک والایی از هستی و متأثر از مکتب رمانتیسیم، به بدبینی گرایش دارند؛ از جمله بدبینی به انسان که در اشعار فروغ برخلاف نازک‌الملائکه از عمق چندانی برخوردار نیست؛ اما فروغ نسبت به انسان زمانه خود بدبین است. در بدبینی نسبت به تقدیر، تفاوت فروغ با نازک در این است که فروغ، کاملاً خود را دست‌بسته و اسیر تقدیر نمی‌داند، بلکه گاهی رگه‌هایی از اختیاریت را در شعر او مشاهده می‌کنیم؛ اما نازک خود را مقهور پنجه تقدیر می‌داند. در نتیجه، این تقدیرگرایی و بدبینی نسبت به تقدیر در شعر نازک بسیار پررنگ‌تر از شعر فروغ است. در بدبینی نسبت به زندگی، نازک و فروغ، دنیایی را که در آن زندگی می‌کنند، پوچ و بی‌معنی می‌دانند و در آن اظهار گمراهی می‌کنند. تحول اجتماعی در عراق و ایران سبب شد تا این دو شاعر همراه با امواج خروشان این تحول، افزون بر پرداختن به رمانتیسیم فردی که شاعر در آن با احساسات و هیجانات درونی خود درگیر است، وارد مسائل اجتماعی روز شده و به محیط و اجتماع خود، که همان رمانتیسیم اجتماعی است، توجه نشان دهند؛ هرچند که نازک‌الملائکه در رمانتیسیم اجتماعی از فروغ فرخزاد موفق‌تر است. در پایان پیشنهاد می‌شود با پژوهش در اسلوب شعری و مقایسه جلوه‌های رمانتیسیم فردی در شعر هر دو شاعر از تفاوت‌ها و نکات مشترک دیگری آگاهی پیدا کنیم.



## منابع

- آزاد، م. محمود مشرف آزادتهرانی، (۱۳۸۴)، *پریشا دخت شعر*، ج ۱، چ ۳، تهران: نشر ثالث.
- الخياط، جلال و دیگران، (۱۳۸۵)، *تاریخ ادبیات معاصر عرب*، ترجمه محمود فضیلت، چ ۱، نشر دانشگاه رازی.
- الملائکه، نازک، (۱۹۹۷م)، *دیوان نازک‌الملائکه*، المجلد الاول، الثاني، لبنان، بیروت: دارالعوده.
- \_\_\_\_\_، (۲۰۰۲م)، *الاعمال الشعرية الكاملة*، المجلس الاعلى للثقافة.
- برلین، آیزایا، (۱۳۸۷)، *ریشه‌های رمانتیسیم*، ترجمه عبدالله کوثری، چ ۲، تهران: ماهی.
- پاینده، حسین، (۱۳۹۰)، «*ریشه‌های تاریخی و اجتماعی رمانتیسیم*»، ارغنون، شماره دوم.
- پرستلی، جی‌بی، (۱۳۵۲)، *سیری در ادبیات غرب*، ترجمه ابراهیم یونسی، چ ۱، تهران: جیبی.
- تسلیمی، علی، (۱۳۸۷)، *گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران (شعر)*، چ ۲، تهران: اختران.
- ثروت، منصور، (۱۳۹۰)، *آشنایی با مکتب‌های ادبی*، چ ۳، تهران: سخن.

- جعفری، عبدالرضا، (۱۳۷۸)، **فروغ جاودانه‌ها**، چ ۱، تهران: نشر تنویر.
- جلالی، بهروز، (۱۳۷۷)، **فروغ فرخزاد**، *جاودانه زیستن در اوج ماندن*، چ ۳، تهران: انتشارات مروارید.
- جوهری، حسن، (۱۳۹۱)، «**بررسی تطبیقی رمانتیسم در شعر فروغ فرخزاد و نازک‌الملائکه**»، دانشگاه تربیت معلم سبزواری.
- حسین پورچافی، علی، (۱۳۸۴)، **جریان‌های شعری معاصر فارسی**، چ ۱، تهران: نشر امیرکبیر.
- حیدری، غلام، (۱۳۷۷)، **فروغ فرخزاد و سینما**، چ ۱، تهران: نشرعلم.
- رجبی، فرهاد، (۱۳۹۰)، مقاله «**رمانتیسم تلخ شعر نازک‌الملائکه و فروغ فرخزاد**»، چاپ در مجموعه مقالات همایش یزد.
- رحیمی، مصطفی، (۱۳۴۵)، **رنالیسم و ضد رنالیسم**، چ ۳، تهران: نیل.
- سیدی، حسین، (۱۳۸۰)، **نیما و نازک‌الملائکه**، مشهد: نشرترانه.
- شافعی، خسرو، (۱۳۸۰)، **صدشاعر**، *دریچه‌ای به دنیای شعر فارسی از آغاز تا امروز*، تهران: نشرکتاب خورشید.
- فرخزاد، فروغ، (۱۳۷۷)، **ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد**، تهران: انتشارات به‌آفرین.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۷)، **سلامی دوباره به آفتاب**، تهران: سخن.
- \_\_\_\_\_، (۱۳۷۹)، **مجموعه اشعار**، چ ۱، تهران: شقایق.
- فرشیدورد، خسرو، (۱۳۸۲)، **دوباره ادبیات و نقد ادبی**، چ ۲، چ ۴، تهران: امیرکبیر.
- مرادی کوچی، شهناز، (۱۳۷۹)، **شناخت‌نامه فروغ فرخزاد**، چ ۱، تهران: نشرقطره.
- ناظمیان، رضا، (۱۳۸۹)، «**زمان در شعر فروغ فرخزاد و نازک‌الملائکه بررسی تطبیقی دو شعر (بعد از تو) و (افعون)**»، نشریه ادبیات تطبیقی، سال اول، شماره دوم، دانشگاه باهنر کرمان.
- هارلند، ریچارد، (۱۳۸۸)، **درآمدی تاریخی بر نظریه ادبیات از افلاطون تا بارت**، ترجمه علی معصومی و شاپور جورکش، چ ۳، تهران: چشمه.
- هداره، محمد مصطفی، (۱۹۹۴م)، **بحوث فی الادب العربی الحدیث**، بیروت: دارالنهضة العربیه.